



# International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

[www.allstudyjournal.com](http://www.allstudyjournal.com)

IJAAS 2023; 5(11): 29-37

Received: 14-09-2023

Accepted: 15-10-2023

ابوالحسن صالحی

ع لوم و حقوق گ روه اس تاد،  
داند شد گاه داند شد کده، ای اس ای س  
اف غاند سد تان دعوت،

## زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و هند در روند تحولات افغانستان

ابوالحسن صالحی

DOI: <https://doi.org/10.33545/27068919.2023.v5.i11a.1080>

### چکیده

ایران و هند دو کشور قدرت مندی منطقه است، با همدیگر دارای روابط طولانی بوده و هر کدامشان با افغانستان نیز در حوزه‌های مختلف روابط داشته و از بازیگران مهم صحنه افغانستان بوده است و منافع مشترک دارند که توسط قدرت‌های رقیب به خطر می‌افتد که سیاست مشترک دهلی‌نو و تهران را در افغانستان می‌طلبد. با توجه به همکاری هر دو کشور تحقیق حاضر با روش توصیفی- تحلیلی است. گردآوری داده‌ها، استفاده از منابع و ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق، این است: زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و هند در افغانستان در کدام‌ها اند؟ پراخته است. فرضیه پاسخ دهنده به این پرسش، به گمان اغلب، همگرایی هر دو کشور ناشی از منافع مشترک است و واگرایی آنها تعارض منافع و همکاری با رقیب یکدیگر می‌باشد. اهمیت و ضرورتش در آن است رقابت و همکاری قدرت‌های منطقه‌ای را در افغانستان برخسته می‌سازد که آنها از چه راه‌های منافع‌شان را در افغانستان دنبال می‌کند.

همگرایی، واگرایی، افغانستان، ایران، هند کلیدواژه

### مقدمه

ایران و هند دو کشور است که روابط طولانی با افغانستان داشته و تحولات که در افغانستان اتفاق افتاده روابط افغانستان را با هر دو کشور کم و بیش تحت‌الشعاع قرار داده است تا هنگام کنفرانس بن همکاری میان ایران و هند وجود داشت و بعد از کنفرانس بن و تشکیل حکومت مردم سالار، نیز این دو کشور در عین زمان تهدیدات مشترکی از ناحیه افغانستان داشته‌اند. همکاری‌های سیاسی دو کشور در زمینه مقابله با مسایل مهم منطقه‌ای به خصوص در افغانستان و پاکستان همگرایی این دو کشور را می‌طلبد به همین اساس دهلی‌نو و تهران به همکاری‌شان در افغانستان ادامه داده است. افغانستان زمینه و عامل مشترکی از جمله برای ایران و هند است، تهران و هلی‌نو می‌توانند یک سیاست مشترک و موثر ایجاد کنند. بر همین اساس، افغانستان یکی از کشورهای است که هند و ایران را به هم نزدیک کرده و همکاری‌های فی مابین را تقویت می‌کند. برای هر دو، افغانستان یک کشور همسایه ترانزیتی و از نظر فرهنگی مهم است که می‌خواهند با آن روابط خوبی داشته و خواهان حاکمیت صلح و نظم در این کشور هستند. در صورت که هند و ایران در مورد حضور آمریکا در افغانستان دیدگاه‌های یکسان نداشت، اما هر دو از چالش‌های متزلزل شدن صلح و دموکراسی در افغانستان، جنگ داخلی، فقر شدید و اسلام افراطی به‌خوبی آگاه بودند و هستند. افغانستان اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی دو کشور هند و ایران دارد و دو کشور همکاری‌های مناسب و گسترده‌ای با افغانستان دارند. در واقع شناخت فرصت‌ها و پتانسیل‌های گوناگون همکاری دو کشور هند و ایران در افغانستان، بعد از خروج امریکایی‌ها، دارای جایگاه مهمی برای دو کشور است؛ که می‌تواند کمک گسترده‌ای به دو کشور در راستای همگرایی و همکاری بیشتر در افغانستان و راه‌گشایی برای بخش‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی دو کشور بوده و در نوع سیاست‌گذاری‌ها، راهبردها و رویکردهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها در افغانستان موثر باشد (رمضانی‌بوش، 6 دلو 1392). عدم وجود مسیر مستقیم زمینی یا مسیر دریایی هند با افغانستان بزرگترین مانع در برابر ارتقای سطح تعامل دوجانبه بین هند و افغانستان است و ایران با داشتن مرزی طولانی با افغانستان با بعضی از فرصت‌ها و چالش‌ها مواجه بوده می‌باشد. هند با پر کردن این خلاء در تلاش است با توسعه بندر چابهار در ساحل شرقی ایران، از طریق این بندر ضمن دور زدن رقیب سنتی‌اش پاکستان، راه خود را به سوی بازارهای آسیای میانه و افغانستان باز

Corresponding Author:

صالحی

ع لوم و حقوق گ روه اس تاد،  
داند شد گاه داند شد کده، ای اس ای س  
اف غاند سد تان دعوت،

کند. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش آن است که: زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و هند در روند تحولات کدام‌ها اند؟ و فرضیه پاسخ دهنده به این پرسش این گونه تنظیم شده است: به گمان اغلب، همگرایی هر دو کشور ناشی از منافع مشترک است و واگرایی آنها تعارض منافع و همکاری با رقیب یکدیگر می‌باشد. تحقیق حاضر از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است و گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد.

### اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از این مقاله بررسی همکاری و رقابت ایران و هند در افغانستان است. افغانستان در سیاست خارجی هر دو کشور جایگاه مهم دارد، از یک سو ایران با افغانستان مرز مشترک دارد و از سوی دیگر هند با افغانستان با افغانستان کدام مرز مشترک ندارد و پاکستان میان افغانستان و هند کشور حایل است و پاکستان هم با هند و هم با افغانستان اختلافات مرزی دارد. پاکستان حضور هند را در افغانستان به معنای محاصره خود تلقی می‌کند و منافع ایران هم در تقریباً در مقابل منافع پاکستان قرار می‌گیرند. با این وصف، عوامل که ایران و هند را وادار به همگرایی و واگرایی در افغانستان می‌کنند چیست؟ ایران و هند سعی می‌ورزد تا در افغانستان حضور فعالانه داشته و نقش‌شان را از طریق ساخت و ساز زیربنای و حمایت از دولت مرکزی و همکاری در رشد اقتصاد و تجارت افغانستان و کمک‌های بشردوستانه عملی سازد. حضور فعالانه دهلی‌نو و تهران در افغانستان دارای اهمیت بوده و سیاست‌های مشترک و همسویی ایران و هند در افغانستانی نگرانی پاکستان را در پی داشته و این کشور حضور فعالانه ایران و به ویژه هند را همواره معترض بوده است.

### پیشینه تحقیق

در زمینه روابط ایران و افغانستان و افغانستان و هند کتاب و مقالات زیاد نوشته شده است. اما کتاب یا مقاله به طور خاص در I رابطه به زمینه‌های همگرایی و واگرایی هر دو کشور در افغانستان نوشته نشده‌اند اما در خصوص روابط افغانستان با هر دو کشور کتاب و مقالات متعددی تحریر گردیده است، بعضی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد: کتابی آبی 4 تخت عنوان «بررسی روابط و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای» توسط یدالله دهقان و مهدی کاظمی نوشته گردیده و در سال 1390 در موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران چاپ شده است. در این کتاب جایگاه افغانستان را در روابط ایران و هند مورد واکاوی قرار داده‌اند، در صورت که مقاله حاضر به‌گونه مشخص در زمینه‌های رقابت و همکاری هر دو کشور را در افغانستان بررسی کرده‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند» توسط یدالله دهقان، عنایت‌الله یزدانی و مهدی کاظمی نوشته شده و در فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال 1397 چاپ شده است. در آن مقاله سیاست خارجی هند نسبت و سیاست خارجی ایران نسبت به افغانستان مورد مطالعه قرار داده است و از ابزارهای که آنها در افغانستان استفاده می‌نمایند مشخص نموده‌اند. در پژوهش حاضر بیشتر زمینه‌های سیاست‌گذاری مشترک ایران و هند واکاوی شده و مقاله دیگر زیر عنوان «نقش بندر چابهار در روابط ایران و هند: فرصت‌ها، چالش‌های و چشم‌اندازها (2015-2020)» توسط مازیار مظفری فلاتی و فرزانه صفری ثابت نوشته شده و در فصلنامه دانش‌نامه علوم سیاسی در سال

1400 چاپ گردیده است. در آن روابط تاریخی ایران و هند بررسی کرده و به اهمیت استراتژیک بندر چابهار پرداخته و از طریق آن دسترسی هر دو کشور ایران و هند را در افغانستان مورد مطالعه قرار داده و از بندر چابهار به عنوان عوامل موثر در روابط سه جانبه بررسی کرده و در پژوهش خاص، بندر چابهار یکی از زمینه‌های همگرایی ایران و هند آورده شد که بخشی از این مقاله را تشکیل می‌دهند.

### چهارچوب نظری

همگرایی به معنای مفهوم، عبارت از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود و واگرایی در برابر همگرایی است که عبارت از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص، در واقع همگرایی فرایندی است که دولت‌ها با واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترک‌شان صرف نظر کرده و از قدرت برتر یا نهاد یا سازمان بین‌المللی تبعیت می‌کنند. همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی و یا فردی خود می‌باشد؛ به عبارتی دیگر، بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی و واگرایی با سایر بازیگران در سطوح مختلف می‌دهند به این امر می‌انند که این امر تا چه اندازه منافع او را تامین و تهدیدات احتمالی را دور می‌سازد. لذا فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل‌گیری آنها تشکیل می‌دهد (کریمی‌پور و همکاران، 1398: 309). کارل دویچ بدون آنکه نظریه همگرایی خود را به سطح منطقه‌ای محدود نماید، همگرایی را روندی می‌داند که طی آن واحدهای سیاسی به منظور رسیدن به صلح با یکدیگر همکاری می‌کنند. این دیدگاه کارکردگرایانه دویچ با غایت از دستیابی به صلح، از طریق بهره‌گیری از نظریه‌های سبیرنتیک و نظریه عمومی نظام‌ها ممکن می‌شود (سیف‌زاده، 1392: 311). کانتوری و اشپیگل نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند. هر یک از این نظام‌های تابعه متشکل از یک، دو یا چند کشور همجوار تعامل‌گر است که پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند و گاه احساس همانندی و هویت آنها با اقدامات و طرز تلقی کشورهای که خارجی از این نظام تابعه هستند تشدید می‌شود (شیرخانی و صفایی، 1397: 42). روابط هند و افغانستان با امضای یک قرارداد در سال 1328 همکاری گسترش یافت و با به میان آمدن حاکمیت‌های مختلف در افغانستان، روابط بین کابل - دهلی‌نو همچنان حفظ شده و هند به عنوان قدرت منطقه‌ای در شبه قاره هند، دارای منافع استراتژیک سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. هند به عنوان قدرتی منطقه‌ای در شبه قاره هند، منفعتی استراتژیکی و قانونی در ثبات و امنیت افغانستان دارد و در این زمینه به جز از پاکستان، دیگر توسط هیچ کشور مورد اعتراض قرار نگرفته است. ایران و افغانستان از گذشته دارای پیوندهای گوناگون زبانی، فرهنگی، مذهبی، تمدنی و.. بوده‌اند. روابط ایران و افغانستان در دو دهه گذشته رو به رشد بوده و ایران تلاش کرده است با ابزارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حضور بیشتری در افغانستان داشته باشد. در عین حال، در سال‌های اخیر هم تجارت میان ایران و افغانستان افزایش یافته‌اند.

## روش تحقیق

این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نحوه گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، نیز براساس روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر همچون، کتب و مقالات جمع‌آوری شده است.

## همگرایی ایران و هند در افغانستان

از همگرایی تعاریف متعدد صورت گرفته است. گاهی آن را یک فرایند، گاهی وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط دولت‌های مستقل تعبیر نموده است. دیده‌گاه‌ها متفاوت، اختلاف سلیقه‌ی تحلیل‌گران و آگاهان است. ارنست هاس از جمله کسانی‌اند که باورمند به همگرایی بوده و آن را فرایندی میدانند که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف، معتقدند که در تاسیس دولت متمرکز وحدت به نفع آنها است که جایگزین دولت‌های قدیم شود. در صورت که همگرایی فرایندی است که طی آن ملت‌ها از تمایل و توانایی خویش نسبت به تدبیر مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های داخلی خود منصرف شده و در پی تصمیم‌گیری مشترک و یا تقویض روند تصمیم‌گیری به سازمان‌های جدیدی ناظر هستند. دولت‌های که در تلاش همگرایی است. از عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی؛ نظیر وفاداری‌های ملی و احساسات ناسیونالیستی عبور کرده و مشترکات را توسعه داده و بهبود می‌بخشند (محمدی و احمدی، 1395: 123). از همگرایی به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یاد گردیده است و به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل گردیده، در طولانی مدت باعث توسعه و گسترش انترناسیونالیسم می‌شود. با وجود اختلاف نظرهای در مورد متغیرهای اصلی همگرایی، بسیاری از محققان درباره موضوعات چون نقش نهادها و نخبگان، کم و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد نوعی فوق ملی و حرکت‌های یکپارچه کننده انسجام دهند، دارای دیدگاه‌های مشترک هستند (قوام، 1389: 247).

با این وصف، به زمینه‌های همگرایی ایران و هند پرداخته می‌شود، از لحاظ تاریخی هند با افغانستان، بدون در نظر گرفتن زمانی طالبان هند با افغانستان روابط حسنه داشتند. کابل - دهلی‌نو روابط طولانی از دوستی و همکاری دارند. یعنی بدون در نظر داشت به نوع حکومت در افغانستان، و نوع حزب حاکم در قدرت در هند، به طور سنتی روابط هر دو کشور برقرار بوده است. هند بعد از حادثه یازده سپتامبر سال 2001 به این سو نفوذش را در افغانستان افزایش داده و با مساعدت بیشتر دو میلیارد دالر آمریکایی به دولت افغانستان یکی از بزرگترین کمک‌کنندگان منطقه به این کشور می‌باشد. هر دو کشور (افغانستان و هند) در سال 2011 موافقت‌نامه همکاری استراتژی را امضا نمودند که نقش هند را در تربیه نیروهای امنیتی افغانستان بیشتر کرده بود. در عین زمان نفوذ ایران نیز بعد از سقوط طالبان در افغانستان افزایش یافت و از حکومت مردم‌سالار حمایت سیاسی و اقتصادی می‌کرد (بلخی، 1392: 171). در واقع از سال 2001 تا سقوط نظام جمهوری هند به عنوان یکی از حامیان بزرگ افغانستان، در صحنه حضور داشت. جایشانکار وزیر خارجه هند در 7 جون 2021 در یک سفر مهم خود با اشاره مستقیم به مسئله افغانستان بیان کرد: «برای ایران و هند به‌عنوان دو شریک منطقه‌ای بسیار نزدیک، حیاتی است که در زمینه مقابله با چالش‌های مختلف از جمله حل

مسئله افغانستان با یکدیگر همکاری کنند.» این موضوع اهمیت افغانستان را برای هر دو کشور به ویژه هند نشان می‌دهد. در واقعیت ایران نیز همانند هند خواهان حفظ دموکراسی و ثبات این کشور است. جنگ داخلی در افغانستان موجب تشدید ناامنی در مرزهای ایران، قاچاق مواد مخدر، آغاز موج جدید مهاجرت پناهندگان خواهد شد. با خروج نیروهای آمریکایی، ایران نفوذ مستقیم‌تری در افغانستان داشت و با ایجاد اتحاد با قدرت‌های منطقه‌ای، بهتر توانست از منافع خود محافظت کند (موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر).

## حمایت از دولت مرکزی

همکاری ایران و هند در افغانستان بسیار زیاد وجود دارد که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مشترک برای همکاری و همگرایی تهران و دهلی‌نو در افغانستان مسایل امنیتی و فعالیت گروه‌های است که به منافع ایران و هند در افغانستان صدمه می‌زند. این مسئله باعث می‌شود که همکاری ایران و هند در افغانستان بیشتر و بهتر گردد (دهقان و همکاران، 1396: 154). خصوصاً داعش یک تهدید جدی و خطرناک برای ایران است. در افغانستان ایران و پاکستان از جمله بازیگران مهم و اثرگذار به شمار می‌رود و منافع ایران در افغانستان درست در نقطه مقابل پاکستان است. آنجای که هند با افغانستان هیچ مرز مشترکی ندارد تا به صورت مستقل اثرگذار باشد. به همین سبب دهلی‌نو به ایران روی آورده چون ایران یکی از بازیگران مهم منطقه در افغانستان محسوب می‌شود تا از این طریق منافع خود را در افغانستان تامین نماید. از همین جهت هند به ایران توجه خاصی دارد. این دو کشور (ایران و هند) در زمان حکومت حامدکرزی و اشرف غنی کمک‌های اقتصادی و مالی و بسیار مهم به دولت افغانستان ارائه نمودند (دهقان و همکاران، 1396: 156). در بازسازی افغانستان هر دو کشور به خصوص نقش مهم‌تری ایفای نموده است.

پس حادثه یازده سپتامبر سال 2001 و تشکیل حکومت جدید در افغانستان و کشورهای منطقه و جهان به حمایت از نظام سیاسی جدید در افغانستان روی آوردند. دولت هند از جمله کشورهاییست که با سیاست‌های عملی نه شعاری وارد میدان بازسازی در افغانستان شد و سهم فعال در بازسازی افغانستان داشته‌اند. تاریخ و سنت سیاسی هند، به افغانستان نشان داده است که این کشور به دنبال استفاده موثر از روابط با افغانستان است. هند با یک رویکرد اعتمادسازی دوجانبه و چندجانبه بوده و در پی آن است که هند افغانستان را با پاکستان میدان رقابت خود می‌سازد، دهلی‌نو این ذهنیت را از افکار مردم حذف نموده است بلکه حامی منطقه‌ای و طرفدار صلح و ثبات در افغانستان است. این ادعا بعد از پس از سال 2001 در روابط سیاسی هند-افغانستان آشکار گردید (بلخی، 1399: 215). همین روابط سیاسی صادقانه هند و دست دوستی که به طرف افغانستان دراز نموده است، افکار عمومی افغانستان را به خود جلب کرده و مردم نسبت به هند بسیار خوش بین است. در سال‌های اخیر نیز بر اساس یافته‌های تحقیقاتی اعلام شده توسط مقامات کابل، از نظر افکار عمومی افغانستان، هند نخستین کشور دوست افغانستان خوانده شده است.

با حضور جامعه جهانی در افغانستان، هند نیز در کنار سایر ملل به افغانستان کمک نمود که یکی از کشورهای موثر در عرصه بازسازی در این کشور تبدیل شد. کمک‌های اقتصادی هند سهم موثر و چشم گیر این کشور در پروسه بازی افغانستان و در

نهایت گسترش مناسبات سیاسی دو کشور و بازگشایی نمایندگی‌های سیاسی هند در افغانستان، همگی حکایت از رویکرد مثبت و سازنده‌ای این کشور نسبت به تحولات سیاسی افغانستان داشت. هند سالانه دو هزار بورسیه تحصیلی برای افغانستان داده است و دهلی‌نو چند میلیارد دلار برای افغانستان کمک کرده که آن کمک‌ها خیلی موثر بوده و برای بهبود زندگی مردم افغانستان به مصرف رسیده است. روابط هند و افغانستان به هدف استفاده از رشد و توانایی‌ها فرصت‌های هند به نفع افغانستان صورت گرفته است (سجادی، 1399: 361). افغانستان و هند در دو دهه گذشته از فرصت‌های سیاسی به خوبی استفاده کرده‌اند. در این مدت، اساس روابط بنیادی و مستحکم خود را نیز پی‌ریزی نمودند که امضای موافقتنامه اشتراک‌تربیک در تاریخ 12 میزان 1390 بین مقامات درجه اول هر دو کشور، نقطه اوج مناسبات کابل و دهلی‌نو نشان می‌داد (تمنا، 1393: 264).

ایران پس از حادثه یازده سپتامبر در قبال تحولات افغانستان، همواره بر حمایت از ثبات و امنیت در استوار بوده است. حمایت‌های ایران از مردم افغانستان و پذیرای از چند میلیون مهاجر، اعطای بورسیه‌های تحصیلی و اشتراک در پروسه بین و نیز نقش موثر در کمک‌های اقتصادی و بازسازی افغانستان داشته است (سجادی، 1399: 340). ایران پس از روی کار آمد حکومت مردم سالار در افغانستان و با نگاه فرصت‌محور برای دستیابی به منافع خاصی خود با عوامل مختلف اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و علل اعتقادی تصمیم گرفت تا در بازسازی افغانستان شرکت داشته باشد. شرکت ایران در اجلاس توکیو و با حضور جامعه جهانی برای بازسازی زیرساخت‌های ویران شده افغانستان تجلی بیشتر پیدا کرد. ایران با حضور در آن کنفرانس 560 میلیون دلار کمک به افغانستان را تعهد کرد (شیرخانی و صفایی، 1397: 48).

### منافع مشترک ایران و هند در افغانستان

هند و ایران در سه دهه گذشته، دارای منافع مشترک منطقه‌ای فراوانی در افغانستان بوده است. این امر با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بعد نوینی به خود گرفت و هر دو کشور از توانایی یک‌دیگر برای دستیابی حداکثر منافع شان در افغانستان آگاه می‌باشند. از آنجای که ایران متحدی در عرصه افغانستان ندارد لازم است که مواضع خود را با هند نزدیک بسازد و ضمن حمایت هند در جهت ایفای نقش موثرتر در افغانستان، از وزنه قدرت‌مند این کشور جهت تعدیل نفوذ ایالات متحده و پاکستان استفاده بیشتری نماید (دهقان و همکاران، 1396: 160). ایران و هند منافع مشترک دارد که با همکاری یک‌دیگر می‌توانند می‌تواند به اهداف خود در افغانستان دستیابند.

هند در چارچوب سیاست نگاه به غرب و نگاه به شمال که سه دیپلماسی اقتصادی و انرژی متمرکز است و ایران را به عنوان یک شریک مهم می‌شمارد و در زمینه‌های مبارزه با بنیادگرایی و ثبات در افغانستان و همچنین ثبات کشورهای آسیای میانه، دو دولت ایران و هند منافع مشترک دوجانبه و چندجانبه دارند. و در زمینه کریدورهای ارتباطی، ایران و دسترسی هند را به بازارهای افغانستان و آسیای میانه فراهم کرده است و همچنین منافع حیاتی و ثباتی سیاسی در افغانستان و مواجهه با افراطگرایی اسلامی مورد حمایت پاکستان دارد. در این چارچوب روابط هند با ایران مولفه‌ای مهم از سیاست نگاه به غرب دهلی‌نو است. هند و ایران منافع مشترک در زمینه مبارزه

با افراطگرایی اسلامی، قاچاق موادمخدر در افغانستان و آسیای میانه دارند (نیاکوئی و بهرامی مقدم، 1392: 131-132). موضوعات که در تقویت همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای ایران و هند موثر واقع شود و مناسبات هر دو کشور را از قیل فراهم آورد، همکاری‌های دو کشور بر سر موضوعات چالش برانگیز و موارد برهم زننده منافع ایران و هند در افغانستان است. هر دو کشور منافع متعددی و مشترک در افغانستان دارند که باعث افزایش همکاری تهران و دهلی‌نو در افغانستان شده است و مقامات هر دو کشور دیدگاه یکسان در مورد قدرت‌گیری گروه‌های اسلام‌گرا در افغانستان و منطقه دارد، هر دو کشور از این ناحیه آسیب‌پذیر است (دهقان و کاظمی، 1390: 110).

### مبارزه با موادمخدر

هند در ضمن همکاری و حمایت از سیاست‌های آمریکا در پاکستان چندین موارد گسترده با ایران نیز همکاری داشته است. هر دو کشور ایران و هند از نفوذ گروه‌های اسلام‌گرا و تندرو در افغانستان و پاکستان نگران هستند. گروه‌های کار مشترک هند و ایران به منظور مقابله با این تهدیدات در سال 2003 توافقات گسترده انجام دادند و به تعقیب آن گروه کاری مشترک دیگری به منظور قاچاق موادمخدر و اسلحه در پاکستان و افغانستان به وجود آوردند (صفایی و اسکندری، 1395: 114). مقامات هند گفته بود، سه تن هروئین افغانستان را که از بندر عباس به این کشور قاچاق می‌شد، در عملیاتی بزرگ در بندر موندرا در ایالت گجرات کشف و ضبط کرده است. این محموله موادمخدر دو میلیارد و هفت میلیون دلار ارزش دارد. در تحقیقات دست داشتن اتباع افغانستان را تأیید کرده است. (بی بی سی، 30 سنبله 1400). دفتر مبارزه با موادمخدر و جرایم سازمان ملل متحد افغانستان بزرگترین تولیدکننده تریاک در جهان است و بیش از 80 درصد بازار جهان را تامین می‌کند. و همچنان پولیس هند چهار نفر از اتباع افغانستان را در میدان‌های اندراگانندی بازداشت کرده بودند که آنها 122 کیپسول هیروئین را بلعیده بود که ارزش آن به پول هند سه کرو و معادل به دالر 420 هزار می‌رسید (طلوع‌نیوز، 14 حوت 1397). تولید و قاچاق موادمخدر از افغانستان به ایران، یکی دیگر از عوامل است که امنیت ملی ایران را به بحران افغانستان پیوند می‌دهد. قاچاق موادمخدر به عنوان یکی از عوامل بحران‌زا از نظر سیاسی و اقتصادی هزینه‌های زیادی را بر نظام ایران تحمیل کرده است. حجم عظیمی از تولید موادمخدر پیامدهای منفی فراوان را برای ایران به عنوان همسایه که دارای 600 کیلو متر مرز مشترک دارد، پدید می‌آورد. سرمایه‌گذاری بر روی موادمخدر، تامین‌کننده بخشی عظیمی از نیازمندی‌های مالی گروه‌های تبه‌کار و باندهای مافیایی می‌گردد که از آن پول می‌تواند در جذب نیروهای بیشتر اقدام نماید و قاچاق آن به ایران مستقیماً امنیت ملی این کشور تأثیر می‌گذارد (حسینی، 1376: 21). ایران و هند در امر مبارزه با قاچاق موادمخدر همکاری دیدگاه یکسان دارد. مقامات هندی، در 20 سپتامبر سال 2021 از توقیف 3 تن هروئین از مبداء افغانستان خبر دادند. خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که مقامات اداره مبارزه با قاچاق در هند موفق شدند این محموله بزرگ مواد مخدر به ارزش 2,7 میلیارد دلار را در بندر «موندرا» در غرب هندوستان توقیف کنند. این خبرگزاری تصریح کرد، محموله اخیر که 2 کانتینر یکی به مقدار 2 تن و دیگری به اندازه 1 تن هروئین از مبداء افغانستان بوده است، در یک بندر ایرانی بازرگاری شده‌اند. اداره



مبارزه با قاچاق هند اشاره کرده که شهروندان افغانستانی در ارسال این محموله به هند نقش داشتند. افغانستان با تولید حدود 90 درصد هروئین مصرفی جهان، بزرگترین تولیدکننده این ماده مخدر به‌شمار می‌رود. در سال 2001 پس از حضور آمریکا در افغانستان، تلاش‌های بین‌المللی به رهبری آمریکا برای مبارزه با این پدیده در افغانستان نتیجه‌بخش نبود و در سال 2017 تولید تریاک در این کشور به 9000 تن افزایش یافت (العربیة فارسی، 21 سپتامبر، 2021). ایران و هند از جمله‌های کشورهای است که از قاچاق مواد مخدر آسیب‌پذیر می‌باشند، به هر اندازه که تولید موادمخدر در افغانستان افزایش یابد به همان میزان سطح تاثیرات آن در هر دو کشور ایران و هند بیشتر می‌گردد. کنترل کشت و تولید موادمخدر در افغانستان می‌تواند به نفع دو کشور باشد. چرا که کنترل کشت موادمخدر، زمینه‌ساز ناتوانی و کاهش درآمدهای جریان مخل نظم، و باندهای تباهاکار خواهد بود. این امر به نفع منافع امنیتی هند و ایران است.

### امنیت و ثبات در افغانستان

افزایش تهدیدات امنیتی ناشی از پدیده اقدامات گروه‌های افراطی و تکفیری در منطقه آسیای غربی و جنوب غربی آسیا و همچنان شبه قاره هند، تهدیدهای مشترکی برای امنیت ملی ایران و هند و همچنان امنیت و ثبات منطقه محسوب می‌گردد. ایران و هند از پیامدهای زنیار گسترش گروه‌های اسلام‌گرا و تندرو در جنوب آسیا و آسیای مرکزی و سایر مناطق نگران بوده و از قدرت‌گیری و نفوذ بیشتر گروه‌های تندرو اسلامی در افغانستان نیز نگرانی دارد. تجربه ثابت نموده است که هر گاه در افغانستان گروه‌های تندرو بیشتر قدرت‌گیرد دامنه ناآرامی‌ها در ایران و هند سرایت کرده است (محمدی و احمدی، 1396: 265). هر دو کشور ایران و هند تلاش نموده تا در افغانستان امنیت و ثبات به میان آید و به این منظور در خصوص بازسازی و نوسازی هر دو کشور با مردم و دولت افغانستان همکاری‌های زیادی نموده است.

بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان تبعات و پیامدهای منفی جدی روی امنیت ملی ایران می‌گذارد و گسترش ناامنی در درون مرزهای ایران، ترانزیت موادمخدر از این کشور و نیز گسترش افراط‌گرایی از جمله عناصر تهدیدزا برای ایران شمرده می‌شود. از این رو، امنیت و ثبات در افغانستان و داشتن یک دولت مقتدر برای مهار این تهدیدات برای امنیت ملی ایران دارای اهمیت است (سجادی، 1399: 343). هند از جمله کشورهای آسیب‌پذیر از گروه‌های تندرو و بنیادگرا است و مقامات این کشور همواره نگران از اقدامات و تحرکات گروه‌های تندرو و بنیادگرا در منطقه مورد مناقشه با پاکستان است و مناطق جامو و کشمیر مسلمان نشین می‌باشد و روابط پیچیده با پاکستان دارد. پاکستان روابط معنادار با گروه‌های تندرو و بنیادگرا در جامو و کشمیر دارد، این روابط باعث جدای‌طلبی در منطقه کشمیر شده است. با این وصف هند تمایل همکاری با ایران دارد و یا محدود کردن نفوذ پاکستان در افغانستان و نیز آرام‌سازی مناطق مورد مناقشه خود با پاکستان از نقش ایران استفاده نماید (دهقان و کاظمی، 1390: 110). هند و ایران منافع مشترکی در افغانستان دارند، در فاصله 1996-2001 آنها در حمایت از ائتلاف شمال با یکدیگر همکاری می‌کردند. در حقیقت افغانستان به حوزه‌ای برای رقابت قدرت منطقه‌ای تبدیل شده بود و ایران و هند در کنار روسیه و ایالات متحده و از ائتلاف شمال علیه طالبان حمایت می‌کردند. در

رقابت با هند و ایران، عربستان سعودی، امارت متحده عربی و پاکستان از طالبان افغانستان حمایت می‌کردند. به همین جهت ایران و هند منافع امنیتی مشترک افغانستان داشتند. نگرانی هند در افغانستان از نفوذ پاکستان است. اما نگرانی اولیه ایران گسترش نفوذ آمریکا در حوزه افغانستان است و در حالی که هند از حضور گسترده نیروهای آمریکایی در افغانستان حمایت میکند، ایران خواستار خروج آمریکا از افغانستان است (نیاکوئی و بهرامی مقدم، 1392: 134).

ایران و هند از ناحیه گروه‌های اسلام‌گرا بیشتر از سایر کشورها آسیب دیده‌اند و همگرایی این دو کشور علیه آنها در منطقه به وجود آید می‌تواند زمینه حضور نیروهای خارجی را کاهش دهند. ایران و هند از ناحیه افغانستان و پاکستان نگرانی‌ها و منافع مشترک دارند که با همکاری مشترک می‌تواند به اهداف خود دستیابند. امنیت افغانستان و پاکستان باعث ارتقای سطح امنیت ایران و هند خواهد شد (دهقان و کاظمی، 1390: 114). یکی از موانع ثبات و امنیت در افغانستان، تقابل منافع سیاسی بازیگران خارجی بوده است. در صورتی که ایران و هند به عنوان دو قدرت منطقه‌ای در حال رشد، می‌توانند بسترهای همکاری استراتژیکی موثری در افغانستان داشته باشند. دو کشور جدا از آنکه عضو ناظر در شانگهای هستند، پیوندهای گوناگونی داشته و با توجه به علایق استراتژیک و نگاه به حیات خلوت منطقه، خواستار افزایش نقش گسترده چین و آمریکا در افغانستان نیستند (رمضان‌پوش، 6 دلو، 1392). ایران حضور آمریکا را و هند نقش چین را در افغانستان در مواجهه با منافع خودشان می‌دانند.

### همگرایی در رشد اقتصاد و تجارت

هند از صادرکنندگان اصلی کالا به افغانستان است و در مقابل محصولاتی چون میوه و خشک شده از افغانستان به هند می‌رود. با این تبادلات تجاری تعرفه‌ها صادرات برخی اقلام افغانستان به هند کاهش یافته و بعضاً به صفر رسیده است. طبق توافقات ترانزیتی میان ایران، افغانستان و هند تجار افغانستان می‌توانند از مسیر بندر چابهار کالاهای خود را به هند صادر نمایند. راه ارتباطی دلارام به زرنج و سپس به زابل و چابهار در ایران علاوه بر این که وابستگی تجارت خارجی افغانستان به پاکستان از طریق بندر کراچی را کاهش می‌دهد. هند با افغانستان هیچ مرز و راهی ندارد از طریق ایران به افغانستان وصل می‌شود و امکان ارسال کالاهای هندی را از طریق ایران به افغانستان فراهم می‌کند و این مسیر می‌تواند نقشی استراتژیک را در تعاملات و تجارت میان افغانستان و هند ایفا نماید (اعظمی و همکاران، 1395: 5). افغانستان از ناحیه تجارت و رشد اقتصادی وابسته به کشورهای منطقه است، به هر اندازه‌ای که روابط تجاری با کشورها بیشتر گردد، اقتصاد افغانستان نیز سیر صعودی به خود می‌گیرند.

افغانستان از گذشته‌های دور یکی از مصرف‌کنندگان اجناس صادراتی هند بوده است. این فرصت تجاری و اقتصادی در سطح دو کشور به خصوص در بین تجار آزاد همواره وجود داشته است. این فرصت تجاری روز به روز تقویت شد، زیرا اقتصاد هند مانند اقتصاد چین در حال پیشرفت است. در سال‌های گذشته هند بیشتر در زمینه روابط تجاری و اقتصادی با افغانستان صداقت اش را نشان داده و آن چه از هند ساخته بود انجام داده است. بزرگترین برنامه اقتصادی و طولانی مدت افغانستان و هند، پروژه بند سلما در شهر هرات را تکمیل نمود.

این پروژه تنها یک فرصت اقتصادی نیست؛ بلکه یک ظرفیت در عرصه زراعت و انرژی در آینده افغانستان است و می‌تواند در توسعه‌های این کشور تأثیرگذار واقع گردد. و همچنان ساخت خاده رزنج-دلارام نیز به کمک هند تکمیل شد. تلاش این کشور در عرصه بازسازی اقتصادی و تجارتی مهم بوده و ده‌ها پروژه عمرانی دیگر را نیز به اتمام رسانده‌اند (تمنا، 1393: 266). بسیاری از پروژه‌های در حال تکمیل است و پروژه‌های جدید دیگر نیز راه اندازی نموده‌اند.

حضور چند میلیون مهاجر از افغانستان در ایران هرچند برای ایران برخی هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد، اما بدون شک، فرصت‌های ارزشمندی را نیز در عرصه بازسازی و توسعه اقتصادی برای این کشور ایجاد می‌کند. تامین نیروی کار ارزان و با کیفیت، یکی از منافع اقتصادی ناشی از حضور مهاجرین در این کشور محسوب می‌شود. از طرف دیگر برای افغانستان نیز دارای اهمیت اقتصادی است؛ زیرا بخش قابل ملاحظه از مردم افغانستان از طریق درآمد مهاجرین در کشور ایران امرار معاش می‌کنند (سجادی، 1399: 345). حضور مهاجرین افغانستان در ایران منافع اقتصادی دوسویه دارد. تجارت بین افغانستان و ایران پس از سال 2001 رشد چشمگیر داشته است و دلایل این رشد سطح بالای تکنالوژی، دانش فنی، کیفیت کالاها و خدمات و تجربه و مهارت مدیران ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و همچنین آشنایی با کالاهای ایرانی، تمایل دولت افغانستان، بخش خصوصی و علاقه مردم این کشور به توسعه و همکاری‌های اقتصادی با ایران و شناخت کامل ایران از وضعیت اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افغانستان، دسترسی آسان به مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز بازسازی و نوسازی، امکانات حمل و نقل و رفت و آمد سریع و آسان به دلیل نزدیکی بودند آن، بنابراین آمار گمرک ایران نشان می‌دهد که افغانستان طی سال‌های گذشته با بیست پله صعود و آمد از رتبه 25 به 5 به عنوان یکی از کشورهای است که حجم بالای کالاهای ایرانی را به خود اختصاص داده است (شیرخانی و صفایی، 1397: 58). همجواری ایران و افغانستان می‌تواند از توسعه و گسترش روابط اقتصادی و تجارتی بیشتر از این باشد، با هزینه پایین و مسیر کم نسبت به سایر کشورهای مفید تمام می‌شود.

### توسعه بندر چاه بهار و رزنج-دلارام

چابهار بندر است که سه کشور افغانستان، ایران و هند در ماه جوزایی سال 1395 توافقنامه ترانزیتی چابهار را در تهران با حضور سران هر سه کشور به امضا رسانیدند. آن توافق سه جانبه امکان ارتباط میان کشورهای منطقه را به وجود آورد و از چین گرفته تا کشورهای آسیای مرکزی را بهم وصل می‌کند. این توافقنامه سه جانبه علیه هیچ کشوری نیست اما بدون شک از نظر سیاسی و ژئوپلیتیک کابل و دهلی‌نو آن را یک موفقیت علیه پاکستان می‌دانند. این توافقنامه سه جانبه می‌تواند بنادر دیگر را تحت تأثیر خود قرار دهد به خصوص بندر کراچی پاکستان را بیشتر متأثر می‌سازد و انگیزه‌های سیاسی نیز در این راستا وجود دارد که هند و افغانستان مشترکاً از آن نفع می‌برد که منطقه اقتصادی و دالان ترانزیتی جدید در مقابل رویکرد پاکستانی قرار دارد و این کشور را توسط توسعه بندر چابهار به حاشیه می‌برد که برای افغانستان پیامدهای خوبی اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارد (اعظمی و همکاران، 1395: 7).

از نظر سیاسی، دسترسی هند به چابهار می‌تواند به افغانستان که محاط به خشکی کمک کند تا از وابستگی به پاکستان رهایی یابد و توسعه این بندر چابهار می‌تواند به هند فرصت دهد که حضور چین در دریای عمان و بندر گوادر پاکستان رقابت کند و روابط تجارتی خود را با کشورهای عرب خلیج فارس و خاورمیانه گسترش دهد. از منظر نظامی، دسترسی هند به چهار می‌تواند که به تحقق آرزوی دیرینه نیروی دریایی هند برای تبدیل شدن به یک نیروی دریایی راهبردی کمک نماید (اعظمی و همکاران، 1395: 5). از نگاه منطقه‌ای و بین‌المللی شبه قاره هند می‌تواند ارتباط سریع‌تر و آسان‌تری دارد و در نهایت به صرفه‌تری با هسته مرکزی قاره اوراسیا و به صورت مشخص با فدراسیون روسیه و بالعکس داشته باشد و پنج کشور قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و افغانستان را از تنگنای ژئوپلیتیکی محصور بودن در خشکی را خارج می‌کند (مظفری فلارتی و صفری ثابت، 1400: 92).

جاده رزنج و دلارام، یکی از دیگر از نقاط مشترک ایران و هند در افغانستان محسوب می‌شود که موجب نگرانی پاکستان شده و تلاش این کشور برای کم‌رنگ کردن هر چه بیشتر حضور هند در افغانستان بود. هند تلاش کرد که از فرصت به وجود آمده در افغانستان و حضور در این کشور استفاده مفید به عمل آورد و به همین خاطر بود که تصمیم گرفت که برای گسترش و ساخت و ساز پروژه رزنج-دلارام به همراه ایران در اولویت قرار داد. هند می‌دانست که آمریکا دیر و یا زود از افغانستان خارج می‌شود و این حضور و ایران است که می‌تواند با تعاملات خود با هند و فعالیت‌های عمرانی اش در افغانستان آینده خوبی را برای مبادلات ترانزیتی هند فراهم آورد (صفایی و اسکندری، 1395: 114). چرا که هندوستان هیچ راه مستقیمی جهت دسترسی به آسیای مرکزی و حوزه کاسپین و مرز مشترک با افغانستان ندارد. از سوی دیگر توسعه بندر چابهار در مواجهه با فعال شدن بندر گوادر پاکستان توسط چین بوده و علاوه جلوگیری از تسلط پاکستان و چین بر راه‌های آسیای مرکزی، می‌تواند به کاهش نقش اقتصادی و سیاسی پاکستان در افغانستان کمک کرده و این نقش را متوازن‌تر و در جهت منافع ایران و هند هدایت نماید (رمضان‌یونش، 6 دلو، 1392). این رابطه هند با ایران به دهلی‌نو کمک می‌نماید تا به بازارهای مصرف کالا و منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و افغانستان دسترسی یابد. یکی از معضلاتی که هند در روابط با افغانستان دارد، دسترسی به این کشور است. همان طور که آمریکا برای دسترسی به افغانستان به پاکستان وابسته است، هند نیز برای دسترسی به این کشور، به ایران وابستگی دارد و اگر ایران این ظرفیت‌ها را در اختیار هند قرار ندهد، این کشور در ایفای نقش در صحنه افغانستان، دچار مشکل جدی خواهد شد. در واقع هند به هیچ‌روی نمی‌تواند از طریق پاکستان یا چین به افغانستان دسترسی پیدا کند. بنابراین تنها مسیری که برای دسترسی به افغانستان پیش‌روی این کشور قرار دارد، مسیر ایران است و این برای هندی‌ها، ظرفیت مهمی محسوب می‌شود (موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ایران معاصر).

توافق سه جانبه افغانستان، ایران و هند برای توسعه مسیرهای چابهار از طریق رزنج و دلارام، تجارت و ترانزیت منطقه‌ای را تسهیل کرده است. دو کشور ایران و هند توافقاتی نیز در باره طرح راه آهن چابهار- فاریاب- بم انجام داده‌اند و مصروف اجرا و توسعه این طرح هستند. آنها درصددند تا ظرفیت انتقال 2/5 تنی این مسیر به 5 برابر افزایش یابد. کالاهای هند از طریق راه

مبادلاتی چابهار، بم، زرنج- دلارام به شاهراه شمال- جنوب افغانستان انتقال داده و از آنجا در سراسر افغانستان توزیع می‌شود. تکمیل مسیر زرنج- دلارام موجب شده است که مسیر چابهار به آسیای میانه 500 کیلومتر کوتاه تر شود (نیاکوئی و بهرامی مقدم، 1392: 139). افزون بر آن هند برنامه‌های برای پیوند این مسیر به قسمت‌های داخلی تاجیکستان و ازبکستان دارد.

### کاهش نفوذ پاکستان در افغانستان

دو کشور همسایه افغانستان، ایران و پاکستان از جمله بازیگران مهم و اثرگذار در افغانستان می‌باشند و هر دو کشور نفوذ قابل ملاحظه از لحاظ فرهنگی و باورهای مذهبی دارند (دهقان و کاظمی، 1390: 112). در صحنه سیاسی افغانستان منافع ایران و هند در تضاد کامل با پاکستان است. پاکستان سرمایه‌گذاری خود را بر روی گروه‌های همسو با اسلام آباد، عموماً به عنوان سرمایه‌ای استراتژیک در مقابل هند و افغانستان مخصوصاً با چشم‌انداز روی کار آوردن رژیم دوست در افغانستان محدود کردن نفوذ سیاسی هند در افغانستان و خنثی کردن مخالفت افغان‌ها با خط دیورند و مدیریت منافع و نفوذ پاکستان در آسیای مرکزی می‌بیند. بدون تردید که این مسئله که نه تنها مهم‌ترین عامل تنش ایران و پاکستان در افغانستان است، بلکه باعث نگرانی سایر کشورهای منطقه نیز می‌باشد (محمدی و احمدی، 1396: 262). پاکستان همواره در صدد بیرون راندن هند از افغانستان و تعمیق پایگاه‌های قدرت و نفوذ خود است. چین نیز با استفاده نفوذ پاکستان در افغانستان به دنبال دستاوردهای اقتصادی است که می‌تواند با استفاده از موقعیت افغانستان به‌عنوان یک اتصال‌دهنده منطقه‌ای در ابتکار کمربند یا کریدور اقتصادی چین و پاکستان از آن استفاده کند.

مشارکت استراتژیک هند با افغانستان عمق استراتژیک هند را تا آسیای مرکزی گسترش می‌دهد که می‌تواند از محاصره چین و پاکستان رهایی یافته و باعث محاصره پاکستان گردیده و فشارها را بر این کشور دو چند خواهد کرد. در کنار هند ژئوپلیتیک ایران نیز ایجاب می‌کند از نفوذ هر کشوری که در افغانستان منافع ایران را تهدید کند، ایران از آن جلوگیری می‌کند که مسلماً در افغانستان پاکستان یک چنین رقیب بالقوه است. ایران و هند از محدود کشورهای هستند که تعهدات خود را در قبال افغانستان عملیاتی نمودند و ایران و هند هر دو در زمره کمک کنندگان به افغانستان‌اند. همکاری‌ها به عنوان مانعی است در برابر جامطلبی‌های پاکستان در منطقه و بیرون راندن ایران از آنزا بیشتر خواهد بود (محمدی و احمدی، 1396: 263).

از طرفی هند می‌تواند به میزان قابل توجهی منافع ایران را در افغانستان تامین نماید و خود نیز به منافع بیشتر دست یابد و پاکستان را نیز مهار کرده است. هندی‌ها از یک افغانستان با ثبات حمایت می‌نمایند، در افغانستانی که بتواند نقش پاکستان را در این کشور به چالش بکشاند. ایران و هند در خصوص مسایل افغانستان با همدیگر همکاری و رایزنی داشتند (دهقان و همکاران، 1396: 158).

در مقابل سرمایه‌گذاری هند در افغانستان شديداً با مخالفت طالبان و پاکستان روبرو بود زیرا ساخت بزرگراه به وسیله هند نه تنها ارتباط افغانستان و مناسبات تجاری این کشور را جهان ارتقاء می‌دهد، بلکه تجارت و نفوذ ایران و هند- کشورهای روابطشان به پاکستان سرد است. در منطقه افزایش می‌دهد پاکستان بعد از تکمیل بزرگراه زرنج دلارام که به حضور و نفوذ هند در قسمت

آسیای مرکزی منجر می‌شود نگران بود. بزرگراه زرنج دلارام، افغانستان محاط به خشکه را به شاه‌رگ حیاتی ارزش‌مند تبدیل کرده است. در صورت در گذشته راه دستیابی افغانستان به دریای از طریق پاکستان و مسیر پیشاور به سمت بندر کراچی بود که عبور از آن مسیر برای افغانستان مشکلاتی را ایجاد می‌کرد (دهقان و همکاران، 1396: 159). وقتی که پاکستان بندر را بسته می‌کرد و به تاجرین افغانستان اجازه عبور از بندر کراچی نمی‌دادند که این کار باعث ضررهای زیادی به مردم و تاجرین افغانستان وارد می‌کرد.

همکاری هند در طرح‌های بندر چابهار و راه‌های ارتباطی ایران و افغانستان براساس رقابت با نفوذ چین و پاکستان در آسیای مرکزی و همکاری مشترکشان در طرح‌های بندر گوادر و کریدور اقتصادی چین و پاکستان است (میبدی و همکاران، 1398: 7). سیاست هند در افغانستان، به نوعی تابعی از روابط این کشور با پاکستان است و افغانستان هم عرصه‌ای است. در صورت که همکاری استراتژیک و سیاسی هند با ایران در افغانستان می‌تواند باعث کاهش نفوذ اسلام آباد در افغانستان شده و به گسترش همکاری‌ها و همگرایی دو کشور ایران و هند در سایر زمینه‌ها در افغانستان کمک نماید. در این زمینه نوع نگرش و سیاست‌های منطقه‌ای هند و ایران در افغانستان، عملاً دو کشور حضور و نفوذ عربستان در افغانستان را بر خلاف منافع ملی خود می‌دانند. چه اینکه ریاض به‌گونه مستقیم و غیر مستقیم با جریان‌ها و گروه‌هایی تندرو افغانی و پاکستانی رابطه داشته و گسترش فضای مانور ریاض می‌تواند بر منافع دو کشور در افغانستان و منطقه تاثیرگذار (مضانی‌نوش، 6 دلو، 1392). در زمینه رقابت‌های منطقه‌ای که ایران و عربستان دارد، ایران با کمک هندوستان می‌تواند فضای ضد ایرانی که توسط حامیان عربستان در افغانستان به وجود آمده را بشکند و به گسترش همکاری‌ها با هند بپردازد. در صورت که شناخت دو کشور از فرصت‌ها و پتانسیل‌های سیاسی، امنیت و استراتژیکی همکاری مشترک در افغانستان دارد، می‌تواند به افزایش نقش هر دو کشور در افغانستان کمک کند.

### واگرایی ایران و هند در افغانستان

از واگرایی بر ضد همگرایی استفاده می‌شود، فرایندی است طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و به سبب آن زمینه بحران فراهم می‌گردد. توجه به وضعیتی اجتماعی دارد که دو یا چند کنشگر، هدف‌های ناسازگار را دنبال می‌کنند. نیروهای واگرا، فعالیت‌های دولت‌ها را برای منسجم نمودن و یکپارچه کردن مردم را در یک مجموعه مشکل می‌نمایند. اختلافات فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی و وصل مناطق مختلف همگی در حکم نیروهای واگرا یا گریز از مرکز عمل می‌نمایند. اگر نیروهای واگرا با سیستم متعادل‌کننده نظارت نشود و حالت خودشان گذاشته شود. باعث فروپاشی کشور می‌گردند (محمدی و احمدی، 1395: 123). همان‌طور که عوامل و انگیزه‌های گوناگون باعث توسعه همکاری و برقراری اتحاد میان واحدهای سیاسی متفاوت می‌شوند، عوامل و انگیزه‌های مختلف نیز در واگرایی و اتحاد تعارضات میان دولت‌ها موثر می‌افتند که طی آن به جای ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل، آنها را از یک‌دیگر دور ساخته، زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌کند (قوام، 1389: 254). دو کشور

ایران و هند در افغانستان بر علاوه همگرایی و در بعضی موارد باهم و اگرایی نیز داشته که قرار ذیل است:

### حضور آمریکا و غرب

یکی از موارد واگرایی ایران و هند در افغانستان حضور آمریکا و ناتو در این کشور بود. روابط هند و آمریکا در افغانستان زمانی بهبود یافت که عقد قرارداد هسته‌ای موسوم به 123 که در سال 2003 بین دو کشور منعقد شد. هند مواضع خود در افغانستان با آمریکا هماهنگ کرده و تاکید بر سر مبارزه با افراطگرایی در افغانستان و منطقه داشت. در صورتی که ایران حضور آمریکا را در افغانستان به ضرر منافع خود می‌دانست. ایران آمریکا را عامل برای رشد فعالیت‌های جاسوسی و ضد امنیتی بر علیه خود قلمداد می‌کرد. برعکس هند خواهان حضور دایمی آمریکا در افغانستان بود و آن را فرصت برای نابودی افراطگرایی می‌پنداشت. و همچنین ایران خروج کامل غرب را از افغانستان خواهان بود ولی هند تعامل غرب در افغانستان را می‌خواست. ایران حضور آمریکا را بیشترین خطر برای خود می‌دانست، اما هند حضور آمریکا را فرصت را تلقی می‌کرد. در صورتی که هر دو کشور ایران و هند از ناحیه افغانستان تهدیدات مشترکی دارند.

قابل ذکر است که «موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان در کنار ایران اسلامی و هند در حال ظهور، چین قدرت‌مند و روسیه بازمانده از شوروی، پاکستان اتمی متزلزل و کشمیر زخم خورده آنقدر جذابیت دارد که آمریکا و غرب مسیحی را خاطر خواخود نماید و در افغانستان ماندگار باشد» (دهقان و همکاران، 1396: 161). همکاری ایران و هند در زمینه رویاوری با مسایل منطقه‌ای به خصوص در افغانستان و پاکستان که به شکل طبیعی ائتلاف این کشور می‌طلبد.

همخوانی سیاست‌های هند با کشورهای در افغانستان حضور نظامی دارند از جمله آمریکا، فرصت‌های برای هند و افغانستان مسیر ساخت تا در نهایت هند برای همکاری با افغانستان پیشنهاد دهد و اعلام نماید که آماده است هر نوع پیشنهاد افغانستان در هر زمینه استقبال کند. نمایش چنین دیدگاه وسیعی خود نقطه اوج استفاده از فرصت‌های سیاسی این دو کشور است (تمنا، 1393: 264). آمریکا و هند همگرایی در زمینه جالش‌های امنیتی برخوردار شدند. به‌همین منظور در جولای 2005، بیانیه مشترکی میان هند و آمریکا امضا که جورج بوش حق هند را به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفت هسته‌ای مانند سایر کشورهای قدرت‌مند به رسمیت شناخت و به مقامات هندی قول داد که در زمینه فعالیت‌های غیرنظامی هسته‌ای هند با این کشور همکاری‌های گسترده انجام دهد. مطرح شدن این بیانیه در زمانی بود که ایران نیز دستیابی به فناوری هسته‌ای خود را رسماً اعلام کرده بود که کشورهای غربی به این موضوع رضایت نشان ندادند (شفایی و اسکندری، 1395: 111). با حمایت آمریکا در قسمت فناوری هسته‌ای هند این کشور تشویق کرد که در منطقه‌ای و جهانی با آمریکا همکاری داشته باشد. اما ایران را در قسمت پیشرفت فناوری هسته‌ای شان مورد تحریم قرار می‌دهد و این کشور محور شرارت می‌خواند، این عمل آمریکا باعث می‌شود ایران از حضور آمریکا در افغانستان، عراق و منطقه بد بین باشد. بر خلاف هند، ایران حضور ناتو و آمریکا را در افغانستان محدود شدن خود می‌دانست و برآن اساس حضور ناتو و آمریکا به عنوان رقیب فرامنطقه‌ای خود تلقی می‌کند که در منطقه و به ویژه در همسایگی‌اش فعالیت می‌نماید.

این موضوع در پهلوی تحریم‌های جهانی، نفوذ و تحریم‌های منطقه‌ای ایران را نیز افزایش داده بود. با توجه به این که همکاری افغانستان و ناتو و آمریکا در اولویت قرار داشت و در مقابل سیاست ایران قرار می‌گرفت. که این موضوع یکی از مهم‌ترین موانع همکاری میان ایران و افغانستان محسوب می‌شد. (تمنا، 1393: 117). این سیاست ایران با هند نیز در دو جهت مخالفت قرار می‌گرفت. ایران و آمریکا از دشمنانی سنتی هم بوده و است و ایران هیچ‌وقت خوش‌بین حضور آمریکا در همسایگی‌اش نیست.

افزون بر همگرایی و واگرایی ایران و هند در امنیت منطقه‌ای، دهلی‌نو و تهران می‌توانند سازوکارهای همکاری برای روابط تجاری و اقتصادی با افغانستان ایجاد کنند. در این راستا به هند کمک کند تا انزوای چین و پاکستان رهایی یابد. اگر هند خواهان حضور در افغانستان و ایران است، هم به قدرت جدید و هم به اعتبار نیاز دارد. در صورتی که هیچ‌یک از اینها بدون ائتلاف شرکا امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه هند به آن نیاز دارد، رویکرد استراتژیک بلندمدت در قبال افغانستان است که باید آن را در چارچوب یک استراتژی کلان، با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک در یک کل منسجم طراحی کند. ایران در این راستا مهم‌ترین متغیر هند برای تدوین استراتژی‌های خود در افغانستان پس از آمریکا خواهد بود. همین امر جایگاه ایران را در سیاست خارجی هند در آینده تغییر خواهد داد. این فرصت برای ایران نیز در سه بعد قابل‌توجه است.

### پیشنهادات

- 1- افغانستان سعی نماید، ایران و هند را در پیشرفت‌های اقتصادی و ساخت‌وساز زیربناها ترغیب نماید.
- 2- افغانستان تلاش نماید زمینه همکاری ایران و هند را با کشورهای رقیب‌شان در این کشور فراهم کند.
- 3- افغانستان با به کارگیری دیپلوماسی فعال کشورهای ذینفع را ترغیب نماید تا پروژه‌های تاپی و کاسا یک هزار راه اندازی نمایند.
- 4- افغانستان بازاری خوبی برای کالای ایرانی و هندی می‌باشد و زمینه سرمایه‌گذاری هر دو کشور را در افغانستان فراهم نمایند.
- 5- افغانستان با همکاری ایران و هند توسعه بندر چابهار را در اولویت قرار دهند.

### نتیجه‌گیری

همکاری و رقابت ایران و هند در افغانستان براساس منافع مشترکشان دنبال می‌گردد و هر دو کشور به این نتیجه رسیده‌اند که منافع‌شان در کنار یک افغانستان باثبات سیاسی و امن به صورت بهتر تضمین است. تهران و دهلی‌نو از بازیگران مهم در افغانستان بوده و با وجود قدرت‌های رقیب‌شان، دهلی‌نو و تهران سیاست‌های همسو را در افغانستان تعقیب می‌کند و در حوزه‌های مختلف را هم‌دیگر را یاری کرده‌اند. با همکاری یک دیگر تهدیدات که از جانب افغانستان متصور بوده است با حضور پررنگ‌شان آن را دفع نموده‌اند. نگرانی‌های ایران و هند می‌توانند بزرگ‌ترین انگیزه برای کم‌کمرسانی ایران در هماهنگی با هند در قبال افغانستان باشند. و همچنان محدودیت در مسیر ترانزیتی برای افغانستان از مسیر پاکستان، هند بندر چابهار ایران را به عنوان دروازه‌ی افغانستان به کشورهای



آسیای میانه توسعه داده و افغانستان را از وابستگی پاکستان نجات داده‌اند. به هر میزان که دهلی‌نو و تهران در افغانستان حضور پررنگ داشته باشد به همان میزان به منافعشان دست یافته و قدرت‌های رقیب را در محاصره سیاسی قرار داده است. در نهایت همکاری هر دو کشور بیشتر از رقابت شان بوده است و حوزه‌های همکاری‌شان در بعد امنیتی، کمتر و در مسایل ساخت و ساز زیربناها بیشتر بوده است و همچنان در توسعه اقتصاد و تجارت ایران و هند نقش فعالانه را ایفا نموده که مانع حضور و نقش قدرت‌های منطقه‌ای در افغانستان شدند. بالاخره همکاری ایران و هند در افغانستان موثر بوده و در توسعه اقتصادی و حمل و نقل نقش مهم را بازی کرده و افغانستان را از انزوای اقتصادی و سیاسی و مسیرهای تجارتي رها ساخته و دسترسی افغانستان را به دریاها فراهم نموده است.

### منابع و ماخذ

1. کتاب بلخی، میرویس، (1392)، افغانستان پس از 2014 نگاهی از بیرون، نشر: کابل، موسسه تحصیلات عالی افغانستان، چاپ اول.
2. بلخی، میرویس، (1399)، افغانستان و منطقه از چشم انداز غرب آسیا، ناشر: موسسه تحصیلات عالی افغانستان، چاپ اول.
3. سجادی، عبدالقیوم، (1399)، سیاست خارجی افغانستان، ناشر: دانشگاه خاتم النبیین (ص)، چاپ دوم.
4. تمنا، فرامرز، (1393)، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌یی، جلد اول، ناشر: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه، چاپ اول.
5. عبدالعلی، قوام، (1389)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، ناشر: تهران، سمت، چاپ شانزدهم.
6. سیفزاده، سیدحسین، (1392)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل منانی و قالب‌های فکری، ناشر: تهران، سمت، چاپ دهم.
7. دهقان، یدالله، کاظمی، مهدی، (1390)، کتاب آبی 4، بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، ناشر: تهران موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
8. مقالات محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم، (1395)، تحلیل دو سطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره نوزدهم.
9. اعظمی، هادی، سلطانی، محسن، محمودی، منوره، (1395)، بررسی اهداف کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای در چابهار از منظر سیاسی- اقتصادی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
10. مبدی، حسین پوراحمدی، قوام، عبدالعلی و جوی آباد، محمودخانی، (1396)، اقتصاد سیاسی خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 98.
11. محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم، (1396)، امکان‌سنجی همگرایی ایران-پاکستان (با تاکید بر گزینه رقیب هند)، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره دهم.

12. دهقان، یدالله، یزدانی، عنایت‌الله و مهدی کاظمی، (1396)، بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره 34.
13. شفايي، مسعود موسوی و سعیده اسکندری، (1395)، راهبرد موازنه‌گرایی هند در تعامل با ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره بیستم.
14. نیاکوئی، سید امیر و سجاد بهرامی مقدم، (1392)، روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها، فصلنامه روابط خارجی، شماره اول.
15. کریمی‌پور، یدالله، ربیعی، حسن و سید محمد یعقوبی، (1398)، بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره چهارم.
16. احمدی فشارکی، حسنعلی، (1390)، ساست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل، فصلنامه مطالعات جهان، سال اول، شماره دوم.
17. حسینی، سیداصغیر کیوان، (1376)، پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، شماره بیست و بیست یک.
18. همگرایی اقتصادی ایران و افغانستان (2001 تا 2017) و چشم‌انداز آیند، فصلنامه کاتب، علمی- پژوهشی، سال پنجم، شماره یازدهم.
19. مظفری فلارتي، مازیار، صفری ثابت، فزران، (1400)، نقش بندرچابهار روابط ایران و هند: فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم اندازها (2015- 2020)، فصلنامه دانش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره سوم. سایت‌های انترنیتی
20. بی بی سی، تاریخ نشر: 1400/6/30- تاریخ دریافت: 1401/5/1  
[www.bbc.com/persian/world-58639578](http://www.bbc.com/persian/world-58639578) فایل قابل دسترس:
21. طلوع‌نیوز، تاریخ نشر: 1397/12/14- تاریخ دریافت: 1401/5/1  
فایل قابل دسترس: <http://tolonews.com/fa/afghanistan>
22. العربیه فارسی، تاریخ نشر: 21 سپتامبر 2021- تاریخ دریافت: 15 فبروری 2023  
فایل قابل دسترس: <https://farsi.alarabiya.net/amp/afghanistan/2021/09/2>
23. رضانی‌بونش، فرزاد، فرصتها و پتانسیل‌های همکاری ایران و هند در افغانستان، تاریخ نشر: 6 دلو 1392- تاریخ دریافت: 1 جوزا 1402  
فایل قابل دسترس: <https://www.khoranzameen.net/php/read.php?id=2279>
24. موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، تاریخ دریافت: 3 جوزا 1402  
<https://tisri.org/?id=n7dd49a5> فایل قابل دست